وجود دو اصل در مادهی «ضعف» در التحقیق

میدانید که سبک مرحوم آقای مصطفوی در التحقیق این است که یک مادهی لغوی را به یک معنا بر میگردانند. کتابی است که برای خودشان زحمت کشیدهاند. از اول تا آخر کتاب من یک مورد پیدا نکردهام که از این مبنا دست برداشته باشند. در مقدمه هم این را گفتهاند، در این محکم هستند که یک واژه و یک مادهی لغوی یک معنا داشته باشد، نه بیشتر.

شاگرد: مواردی هم هست که میگویید یکی از آنها سرایانی است و دیگری ... .

استاد: یکی از مواردش همینجا است. در ما نحن فیه نتوانستند این دو را به یک معنا برگردانند. «ضَعف، خلاف القوة» است، «ضعف» هم بهمعنای دو برابر شدن است. فرمودهاند: و التحقیق ... .

ایشان همان «ضَعف» را گرفتهاند.

> **«و التحقيق**
>
> **أنّ الأصل الواحد في المادة: هو ما يقابل القوة. و قد سبق في- رخو: الفرق بينها و بين مترادفاتها. و هو أعم من أن يكون في مادي أو معنوي ... و أما الضعف و المضاعفة: فهذه المادة مأخوذة من عبرية، و قريبة منها في الأرامية. مع مناسبة بين المفهومين بعلاقة التقابل، فانّ التضاعف هو حصول قوة في مقابل الضعف»**[1].

«و اما الضعف و المضاعفه، فهذه المادة ماخوذة من عبرية»؛ «ضعف» اصلاً عربی نیست. ماخوذ از زبان عبری در قرن ششم است. بعد فرمودند: **«و قريبة منها في الآرامية»؛** ضعف در لغت آرامی هم به این معنا است. آرامیها بعد از فینیقیها بودهاند. اول فینیقیها بودهاند. فینیقیهایی که در همان کنعان بودند، بعد هم آرامیها بودند. اینجور در حافظهام هست. از نظر حروف الفبا، پیدایش و ترتیب زبانها، اول فینیقی -کنعانی- بود، بعد از آن، آرامیها بودند و بعد هم نبطی بود.

«مع مناسبة بين المفهومين بعلاقة التقابل»؛ میگویند: بین «ضعف» عبری و «ضَعف» عربی یک تقابلی هست. از اینجا است که **«حصول قوة في مقابل الضعف»**؛ در مقابل ضعف، قوت میآید. این مقابله در آن برقرار است. مطالب دیگری هم میگویند، چون وقت گذشت، نشد ادامه بدهم.

[1]. عل‌مه‌ی مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۷، ص ۳۱.

بازبینی #2
ایجاد شده 11 فوریه 2024 11:35:33 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 فوریه 2024 14:45:17 توسط ... .